

# کاوش بسترها و پیامدهای اختلالات جنسی در فرآیند طلاق: بر اساس رویکرد گراند تئوری

حلیمه عنایت، سید یوسف پنجه بند\*

گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۷

## چکیده:

زمینه و هدف: افزایش نرخ طلاق در جامعه ایران و پیامدهای ناشی از آن، ضرورت انجام این مطالعه را موجب شده است. هدف از این مطالعه تبیین بسترها و پیامدهای اختلالات جنسی در فرآیند طلاق از منظر مردان دارای تجربه طلاق در ایران بوده است.

روش بررسی: این پژوهش با روش‌شناسی کیفی و به شیوه نظریه زمینه‌ای در سال ۹۳-۹۴ در شهرستان گچساران انجام شده است. مشارکت‌کنندگان این تحقیق ۱۴ مرد طلاق داده بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها به طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری و با استفاده از مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: پس از تحلیل و کدگذاری داده‌ها بر اساس رویکرد گراند تئوری استراوس و کوربین، ۳۰ مفهوم، ۹ خرده‌مقوله، ۴ مقوله اصلی و یک مقوله هسته تحت عنوان «مسائل جنسی بستر دیگر آسیب‌های اجتماعی در خانواده» استخراج گردید.

نتیجه‌گیری: بر اساس روایت مشارکت‌کنندگان: «ناکارآمدی در روابط جنسی مردان» به عنوان شرایط علی، عوامل فردی مانند: «بیماری‌های جسمی، استرس روحی، و تفاوت سنی زیاد زن و شوهر» به عنوان شرایط زمینه‌ای، و عوامل اجتماعی مانند: «فرهنگ استفاده از مواد برای انجام یک رابطه سکس رضایت‌بخش و سهولت دسترسی به جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده» به عنوان شرایط مداخله‌گر موجب اختلال در رابطه سکس آنها شده است. روایت مردان مشارکت‌کننده تحقیق نشان می‌دهد که اختلال در روابط جنسی آنها، زمینه دیگر آسیب‌های اجتماعی مثل مصرف مواد مخدر، خشونت خانگی و خیانت زناشویی را در خانواده آنها فراهم کرده و این آسیب‌ها خود نیز موجب تشدید اختلال در روابط جنسی آنها شده است.

واژه‌های کلیدی: اختلالات جنسی، فرآیند طلاق، مردان طلاق داده، گراند تئوری، روش‌شناسی کیفی

\*نویسنده مسئول: سید یوسف پنجه بند، شیراز، دانشگاه شیراز، گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی

Email: panjehband@yahoo.com

## مقدمه

زنجیره عاطفی زن و شوهر و خانواده را تکمیل می‌کند. رضایت و نگرش مثبت جنسی از شاخص‌های بسیار مهم و بیانگر رضایت از ازدواج است و حتی در زندگی شغلی و اجتماعی تأثیر مثبت می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی زندگی زناشویی و کیفیت زندگی خوب، روابط لذت بخش جنسی است، زیرا رضایت‌بخش نبودن آن، سبب احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می‌شود. این محرومیت جنسی در نهایت موجب طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی می‌شود. نارضایتی جنسی در بسیاری از موارد طلاق نقش مهمی دارد (۸).

اختلال در فعالیت جنسی همسران، دارای پیامدهای منفی بسیاری است. تحقیق‌ها نشان می‌دهد که نارسایی‌های جنسی ارتباط تنگاتنگی با مشکلات اجتماعی از قبیل؛ جرایم، تجاوزات جنسی، بیماری‌های روانی و طلاق دارد. در مطالعه‌هایی که در ایران انجام شده شیوع اختلالات جنسی قابل توجه بوده است که بیشتر اختلالات جنسی در مردان مربوط به انزال زود رس، اختلالات نعوظی و در زنان اختلال در تحریک پذیری بوده است (۹). اختلال جنسی به مفهوم « اختلال در تمایل جنسی و تغییرات روانی - اجتماعی است که بر روی چرخه پاسخ جنسی اثر گذار است، دیسترس و مشکلات بین فردی ایجاد می‌کند و شامل کمبود تمایل جنسی، تنفر جنسی، اختلال در تحریک جنسی و ارگاسم است» (۱۰).

برخی کارشناسان اختلالات جنسی را ریشه اصلی حدود ۵۰ درصد از طلاق‌های کشور می‌دانند. ممکن است بسیاری از زوجین مشکلات ظاهری و

طلاق از جمله آسیب‌های اجتماعی است که روابط افراد، ساختار خانواده‌ها و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱). طلاق شیوه‌ای از ابراز نارضایتی اجتماعی (۲) و مشاجره بین دو شریک است، به گونه‌ای که رسانه‌ها از آن به عنوان جدل اجتماعی یاد می‌کنند (۳). طلاق در مقایسه با مرگ همسر اثرات عاطفی شدیدتری دارد (۴) و نه فقط بر زوجین و بچه‌ها اثر می‌گذارد، بلکه بخشی از زندگی و هویت مردم می‌شود (۵). طلاق فرآیندی است که ماهها یا سال‌ها طول خواهد کشید. در طی این زمان، انواع گوناگونی از حوادث استرس‌زا در زندگی اتفاق می‌افتد. یکی از این استرس‌ها، کاهش استاندارد زندگی است (۱).

در کشور ایران در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲، ازدواج ۶/۵ درصد کاهش و طلاق ۵/۳ درصد افزایش داشته است (۶). طبق آخرین سرشماری مرکز آمار ایران، حدود ۴۴۲۸۶۳ نفر در کشور ایران به دلیل طلاق همسر ندارند و از این تعداد ۹۸۹ ۲۱۳ نفر را مردان تشکیل می‌دهند (۷). بر اساس مستندات اداره کل ثبت اسناد استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۹۲ در شهرستان گچساران، ۱۹۰۰ مورد ازدواج و ۳۶۰ مورد طلاق به وقوع پیوسته و در سال ۹۳ تعداد ۱۸۵۰ مورد ازدواج و ۴۰۰ مورد طلاق ثبت شده است (۶).

یکی از عوامل مؤثر بر فرآیند طلاق، اختلال در رابط جنسی زن و مرد است. روابط جنسی سالم و خوشایند از عوامل مهم در همه گونه‌های ارتباط‌های رمانتیک و زندگی زناشویی است. اگر چه عوامل زیادی در استحکام و موفقیت ازدواج دخیل است، اما روابط جنسی سالم و موفق از مهم‌ترین آنهاست که

وسیله دو جامعه شناس به نام گلیرز و استروس به وجود آمده است (۱۵). البته دو نوع اصلی رویکرد در گراند تئوری وجود دارد که عبارت هستند از: رویکرد عینی‌گرایی<sup>(۲)</sup> استراوس و کوربین<sup>(۳)</sup> و رویکرد سازنده‌گرایی<sup>(۴)</sup> چارمز<sup>(۵)</sup> (۱۶). در این مطالعه از رویکرد عینی‌گرایی استراوس و کوربین استفاده شده است. این تحقیق با استفاده از استراتژی نمونه‌گیری هدفمند و معیار و نظری و با مشارکت مردان دارای تجربه طلاق در شهرستان گچساران انجام شده است. بر اساس نمونه‌گیری معیار مردانی انتخاب شدند که تجربه طلاق را داشتند، حداقل یک سال از طلاق آنها گذشته بود. اطلاع و موافقت مردان مورد مطالعه، از معیارهای اصلی محققین برای کسب ملاحظات اخلاقی و انتخاب مشارکت‌کنندگان بوده است. پس از آن که نمونه‌های مورد نظر برای مصاحبه انتخاب شدند، محقق مشارکت‌کننده را در جریان کامل ماهیت پژوهش یعنی موضوع، روش، هدف و منظور پژوهش قرار می‌داد و به این ترتیب آگاهی کاملی در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده می‌شد. سپس از آنها خواسته شد تا موافقت یا مخالفت خود را برای مشارکت در مصاحبه‌ها اعلام کنند. پس از اعلام موافقت یا مخالفت نمونه‌ها، محقق صرفاً با مردانی مصاحبه انجام داد که موافقت کتبی خود را برای مشارکت در تحقیق اعلام می‌کردند.

سطحی مانند تنفر از یکدیگر، مشکلات رفاهی و اقتصادی یا جر و بحث‌های خانوادگی را علت طلاق معرفی می‌کنند، اما بررسی‌های عمیق‌تر، اختلال در روابط زناشویی را نشان می‌دهد. به استناد آمارهای موجود حدود ۳۰ درصد از زنان و ۴۰ درصد از مردان کشور دچار اختلال جنسی هستند (۱۱).

برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مسایل جنسی، از لحاظ اهمیت، در ردیف مسایل درجه اول یک زندگی زناشویی قرار می‌گیرند. ارضای درست گزینه جنسی یک نیاز طبیعی است که باید به آن پاسخ داده شود و گرنه ممکن است پیامدهای منفی هم چون بیماری روانی و جسمی را بدنبال داشته باشد (۱۲).

فرآیند طلاق فضای روانی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد. از آنجا که اغلب تحقیقات انجام شده راجع به طلاق، کمی و از دیدگاه زنان بوده، و مردان در تحقیق‌های مربوط به فرآیند طلاق نسبتاً فراموش شدند و ادراک و رفتار آنها از فرآیند طلاق، نیم‌رخ از خانواده معاصر را برای ما نمایش می‌دهد (۱۳)، انجام یک مطالعه کیفی از نگاه مردان ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین هدف از این مطالعه تبیین بسترها و پیامدهای اختلالات جنسی در فرآیند طلاق مردان بود.

## روش بررسی

روش‌شناسی این تحقیق از نوع کیفی استقرایی است. یکی از استراتژی‌های مشهور در این روش شناسی، گراند تئوری<sup>(۱)</sup> است (۱۴). این روش به

1-Grounded Theory  
2-Objectivist  
3-Strauss and Corbin  
4-Constructivist  
5-Charms

مشارکت کنندگان به صورت هدفمند و بر حسب خصوصیات و تجربه آنها با پدیده طلاق انتخاب شدند. در واقع در این مطالعه با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، مشخص شد که با چه کسی باید گفتگو کرد و با استفاده از نمونه‌گیری نظری مشخص شد که محقق برای تکمیل اطلاعات باید به کجا رجوع کند. داده‌های این تحقیق با مصاحبه با ۱۴ نفر به حد اشباع نظری رسید.

در این تحقیق، تکنیک مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق بود. بعد از هماهنگی با مشارکت کنندگان، منزل شخصی، یا اماکن عمومی مثل پارک‌ها به عنوان مکان مصاحبه‌ها معین شد و با آگاهی و رضایت مردان مشارکت کننده، مصاحبه‌ها ضبط می‌شد و هر مصاحبه به طور میانگین بین ۷۰ تا ۱۵۰ دقیقه طول می‌کشید.

بخش عمده رویکرد گراند تئوری در حوزه تجزیه و تحلیل داده هاست. این داده‌ها از زاویه دید پاسخگویان تحلیل و معنی‌دار می‌شوند. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در گراند تئوری بر مبنای سه شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. منظور از کدگذاری عملیاتی است که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند (۱۷).

اولین مرحله تحلیل و تفسیر داده‌ها در گراند تئوری، کدگذاری باز است که داده‌ها به کوچکترین واحد خود شکسته می‌شوند (۱۸). در این مرحله محقق ۳۰ مفهوم از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج می‌کند.

مرحله دوم تجزیه و تفسیر داده‌ها در گراند تئوری، کدگذاری محوری است. غرض از کدگذاری محوری آغاز کردن فرآیند از نو کنار هم گذاشتن داده‌هایی است که در جریان کدگذاری باز آن‌ها را خرد کرده ایم. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی متصل می‌شوند تا توضیح‌های دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده‌ها شکل بگیرد. کدگذاری محوری لازمه اش این است که تحلیل‌گر به تعدادی مقوله رسیده باشد و آن‌ها را در دست داشته باشد (۱۹). در این مرحله محقق با ترکیب و انتزاع مفاهیم به دست آمده، ۹ خرده مقوله (خیانت جنسی مرد، خیانت جنسی زن، نارضایتی جنسی، ناتوانی جنسی زن، ناتوانی جنسی مرد، خشونت پنهان، خشونت روانی، خشونت فیزیکی، مصرف مواد مخدر) و از ترکیب این خرده مقوله‌ها، ۴ مقوله اصلی (خیانت زناشویی، ناکارآمدی روابط جنسی، خشونت خانگی و اعتیاد) را استخراج کرده است.

مرحله سوم تحلیل و تفسیر داده‌ها در گراند تئوری، کدگذاری گزینشی است. کدگذاری گزینشی روندی است که طی آن طبقه‌ها به طبقه مرکزی مرتبط می‌شوند و نظریه را شکل می‌دهند (۱۹). در کدگذاری گزینشی محقق ضمن تمرکز بر فرآیندی که در داده‌ها نهفته است، توجه خود را به این امر معطوف می‌کند که کدام مقوله بیش از همه در داده‌ها تکرار شده و قادر است سایر مقولات را به یکدیگر ارتباط دهد. در این مرحله، مقوله هسته‌ای شناسایی شده و سایر مقولات به صورت نظامند با آن ارتباط داده

می‌شود (۱۵). در این مرحله محقق با ترکیب و انتزاع ۴ مقوله اصلی به دست آمده از کدگذاری محوری، مقوله هسته با عنوان «مسایل جنسی محور دیگر آسیب‌های اساسی در خانواده» را استخراج کرد.

محقق کیفی تلاش می‌کند تا ساختارهای دانش را از منظر و دیدگاه مشارکت کنندگان، به گونه‌ای عمیق درک نماید. در هنگام انجام تحقیق یا بعد از آن، محقق کیفی از خود می‌پرسد که «آیا آنچه که به دست آورده‌ام درست است؟»، «آیا من یک گزارش اشتباه یا نادرست را ارائه داده‌ام؟» (۱۶). در این تحقیق از ۳ استراتژی بررسی همکاران، چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان و توصیفات عمیق و غنی برای قابلیت اعتماد استفاده شده است.

استراتژی بررسی همکاران در این مطالعه به این شیوه بوده است که اسادان راهنما و مشاور و دانشجویان دکتری که در این باره و به شیوه تحقیق کیفی و به طور خاص نظریه زمینه‌ای تحقیق انجام داده بودند، با بررسی، پرسیدن سؤالات و یادآوری کردن اشتباهات و گوش زد کردن نکات مهم در کیفیت تحقیق به محقق کمک ارزنده‌ای کردند.

چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان نیز از شیوه‌های مهم قابلیت اعتماد داده‌های کیفی است. در این مطالعه، با چند نفر از مصاحبه شونده‌گان که بیشتر در دسترس بودند، مصاحبه دوباره انجام شد و پس از اینکه مقولات اصلی و مقوله نهایی استخراج شد، در این باره از آنها سؤال شد، یافته‌های تحقیق را

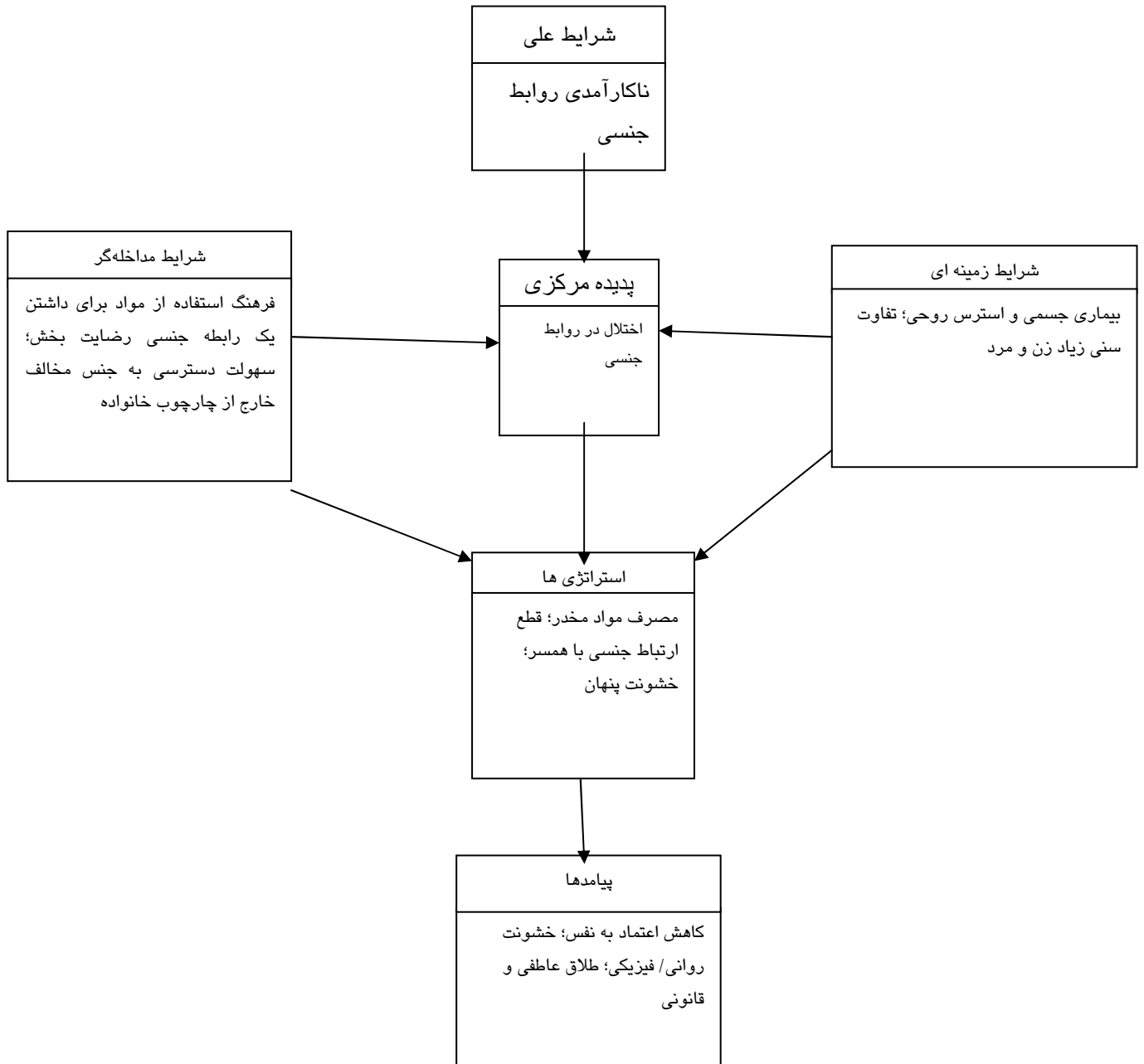
تأیید کردند و آن را منعکس کننده دنیای اجتماعی خودشان دانستند.

آخرین استراتژی بکار گرفته شده برای قابلیت اعتماد تحقیق حاضر، استفاده از توصیف غنی و عمیق بوده است. توصیف غنی و عمیق به خواننده اجازه می‌دهد تا در زمینه قابلیت انتقال یافته‌های تحقیق نظر بدهد. در ابتدا لازم بود مردانی که در فرآیند تحقیق به عنوان مصاحبه شونده مشارکت دارند، بتوانند به راحتی با محقق ارتباط پیدا کنند. از آنجا که اختلال جنسی از شخصی‌ترین مراحل زندگی یک مرد می‌باشد؛ رابطه صمیمی، اعتماد بالا و فن مصاحبه خیلی ماهرانه ای می‌خواهد تا محقق بتواند از زبان مصاحبه شونده‌گان واقعیت را بشنود. بنابراین در این تحقیق محقق توانست این نکته را محقق کند و جزیی‌ترین مسأله که همان اختلال در رابطه جنسی است، را از آنها کشف کند. توصیفات و نقل و قول‌های واقعی از زبان مصاحبه شونده‌گان این تحقیق در فصل یافته‌ها بیان شده است.

#### یافته‌ها

بر اساس رویکرد گراند تئوری استروس و کوربین، شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر که موجب «اختلال در روابط جنسی» این مردان با همسران آنها شده و کنش‌ها / واکنش‌های انجام شده در برابر این پدیده و پیامدها و نتایج ناشی از آنها به شرح زیر می‌باشد.

نمودار ۱: مدل پارادایمی «اختلال روابط جنسی» در فرآیند طلاق



این مدل دارای بخش‌های شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنش/کنش متقابل و پیامد می‌باشد.

مدل پارادایمی کشف شده (نمودار ۱)، فرآیندهای اختلال در روابط جنسی منجر به طلاق را در بین مردان طلاق داده این تحقیق نشان می‌دهد.

اغلب افراد این تحقیق در شروع زندگی مشترک یا مدت‌ها قبل از طلاق قانونی، رابطه سکس موفق و رضایت‌بخش با همسر خود نداشته‌اند. مفاهیم (ضعف میل جنسی مرد، بی‌رغبتی جنسی مرد به زن، زود ارضایی مرد، بی‌میلی زن به رابطه جنسی، سرد مزاجی زن، عدم تمکین زن از مرد، ارضاء نشدن مرد) به عنوان دلایل ناکارآمدی روابط جنسی مردان از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان به دست آمده است.

مشارکت‌کننده شماره ۱ که علت اصلی طلاقش را ناتوانی جنسی خود می‌داند، می‌گوید:

«مشکل اساسی ما زمانی شروع شد که توانایی رابطه جنسی را دیگه نداشتیم و هر کدام در یه اتاق جداگانه می‌خوابیدیم» (مرد ۲۳ ساله).

ناتوانی جنسی مرد موجب شده قبل از طلاق قانونی، طلاق عاطفی و به تبع آن طلاق جنسی و فیزیکی بین او و همسرش پیش بیاید.

مشارکت‌کننده شماره ۲ اختلال در رابطه جنسی خود را این‌طور بیان می‌کند:

«رابطه جنسی ما خیلی ضعیف بود، غیر از ۲ سال اول دیگه نمی‌داشتیم باهاش رابطه جنسی موفق نداشتیم داشته باشیم. می‌گفت برو زن بگیر. هر وقت تقاضا می‌کردم، رد می‌کرد و تنها از من پول می‌گرفت.» (مرد ۳۴ ساله با یک فرزند).

عدم تمکین زن از مرد، موجب نارضایتی جنسی مرد شده و بین آنها طلاق جنسی و عاطفی ایجاد کرده است.

مشارکت‌کننده شماره ۳ که همسرش ۱۳ سال از او بزرگتر بوده، عمل زنانه همسرش را موجب ناتوانی جنسی او دانسته، می‌گوید:

«از موقعی زخم عمل کرد رابطه جنسی ما مون خیلی کم شد، دیگه اصلاً تمایلی به هم خوابگی نداشت و این برای من خیلی اذیت‌کننده بود» (مرد ۴۰ ساله).

البته در شکل‌گیری این پدیده، صرفاً شرایط علی تأثیرگذار نیستند، بسترهای شکل‌گیری چنین پدیده‌ای نیز بسیار با اهمیت است. داشتن بیماری جسمی، استرس روحی، تفاوت سنی زیاد زن و مرد، نیز بستر شکل‌گیری اختلال در روابط جنسی این مردان با همسران آنها بوده است. در چندین مورد مردان این مطالعه دچار بیماری‌های جسمی و استرس روحی بوده‌اند و همین موجب ناتوانی جنسی یا زود ارضایی آنها می‌شده است.

مشارکت‌کننده شماره ۴ که بیماری دیابت موجب ناتوانی جنسی او شده، می‌گوید:

«چیزی که خیلی عذاب می‌داد ناتوانی جنسیم بود. از سال اول تا ۳ سال بعد نتونستم با زخم رابطه جنسی داشته باشم. تقریباً یه رابطه زندانی و زندانبان داشتیم. فقط کنترل می‌کردم جایی نره یا کار خاصی نکنه، زخم خیلی بهم سرکوب می‌زد. مدام ازم درخواست رابطه جنسی می‌کرد و از این بابت دعوا و درگیری توی خونه راه می‌انداخت» (مرد ۳۲ ساله).

بیماری جسمی موجب ناتوانی جنسی این مرد شده است. چون هسته اصلی نگهدارنده زندگی

«من نمی‌تونستم بیش از یک بار در هفته رابطه سکس داشته باشم، اما همسرم خیلی جوان‌تر از من بود و انتظار داشت هر دو شب به بار با او سکس داشته باشم، و واقعاً این از توان من خارج بود» (مرد ۶۵ ساله با همسر ۳۵ ساله).

تفاوت سنی این مرد از همسرش، موجب شده که نتواند نیاز جنسی او را برآورده کند و برآورده نکردن نیاز جنسی همسر، موجب نارضایتی جنسی و اختلال در روابط جنسی و عاطفی آنها شده است.

مشارکت‌کننده شماره ۷ که سن او ۲۴ سال کمتر از همسرش بوده، می‌گوید:

«با این که مشکل جنسی نداشتم، ولی چند ماه بعد از زندگی مشترک، اینقدر نسبت به همسرم بی‌رغبت شدم که در رختخواب هیچ میل و رغبت جنسی بهش نداشتم، طوری که ۳ سال قبل از طلاق توی اتاق‌های جداگانه می‌خوابیدیم» (مرد ۳۹ ساله با همسر ۶۳ ساله).

جوان‌تر بودن مرد از زن، موجب بی‌رغبتی، بی‌تفاوتی جنسی و طلاق فیزیکی - عاطفی بین آنها شده است.

مشارکت‌کننده شماره ۸ که ۲۵ سال مسن‌تر از همسر خود بوده، درباره رابطه جنسی خود و همسرش این‌طور می‌گوید:

«هر وقت می‌خواستم برم پیشش بخوابم، چون از شوهر قبلیش به دختر داشت، برای این که من نرم پیشش، عمداً دخترشو می‌برد پیش خودش

مشترک؛ یک رابطه جنسی موفق و رضایت‌بخش است، عدم انجام این‌کنش، موجب خشونت و جدایی این مرد با همسرش شده است.

مشارکت‌کننده شماره ۵ درباره اختلال جنسی خود می‌گوید:

«بعد از ۳ سال که بچه‌دار نشدیم، رفتیم دکتر، دکتر گفت مشکل از خود ته (یعنی من که مرد باشم)، موقعی فهمیدم مشکل از منه، اعتماد به نفسم خیلی کم شد، هر چه زمان می‌گذشت و به این قضیه فکر می‌کردم از خودم بیشتر ناامید می‌شدم. چون این برای یک مرد ضعف بزرگی است، طوری که دیگر توانایی جنسی را هم از دست دادم و کم‌کم از هم دور شدیم» (مرد ۳۷ ساله).

از مهم‌ترین دلایل اقتدار مرد در محیط خانواده، توانایی جنسی و بچه‌دار شدن اوست. مشکل بچه‌دار نشدن که ناشی از مرد بوده، موجب کاهش اعتماد به نفس، ناتوانی جنسی و در نهایت جدایی عاطفی و جنسی او از همسرش شده است.

از دیگر شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار در اختلال روابط سکس این مردان با همسرانشان، تفاوت سنی زیاد زن و مرد از همدیگر بوده است. در چندین مورد مردان این مطالعه بیشتر از ۲۰ سال از همسران خود بزرگتر بوده‌اند، تفاوت سنی موجب تفاوت در قدرت جسمانی و غریزه جنسی، همچنین تفاوت در ظاهر و قیافه افراد می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۶ می‌گوید:



توی همون اتاق می خوابوند، من مجبور می شدم براش پیام بدم که پیام پیشش یا نه؟ هر روز بهانه می آورد یا می گفت عفونت دارم یا می گفت سرم درد می کنه، بعضی اوقات ۲ ماه به بار هم نمی داشت برم پیشش» (مرد ۶۵ ساله با همسر ۴۰ ساله).

بی علاقه زن به مرد موجب شده که زن رابطه جنسی خود را با او قطع کند و در رابطه زناشویی آنها اختلال ایجاد شود. رابطه جنسی تنها به عنوان یک رابطه سکس دیده نمی شود، بلکه یکی از شیوه های ابراز عشق و علاقه زن و شوهر به همدیگر به حساب می آید.

از دیگر عوامل مشاهده شده در این مطالعه، شرایط مداخله گر است. در انتخاب استراتژی و شدت پدیده، شرایط مداخله گر نیز بسیار مهم هستند. معمولاً شرایط مداخله گر، استراتژی و کنش فرد را تخفیف یا تشدید می کنند. شرایط مداخله گر، اکثراً از اوضاع و احوال غیره منتظره و اتفاقی هستند که لازم است با عمل و تعامل به آنها پاسخ داده شود. از جمله شرایط مداخله گر در شکل گیری این پدیده، فرهنگ استفاده از مواد برای یک رابطه جنسی رضایت بخش است. در فرهنگ عامه مردم این طور جا افتاده است، که مصرف تریاک می تواند موجب دیر انزالی و لذت بردن از رابطه جنسی شود.

مشارکت کننده شماره ۹ که ۲۵ سال از همسرش جوان تر بوده و به دلیل استرس روحی

دچار زودانزالی می شده، همسرش او را وادار به مصرف مواد مخدر کرده، می گوید:

«چون از بچگی استرس داشتم و عصبی بودم، از نظر جنسی خیلی زود ارضاء می شدم. زنم برای این که دیرتر ارضاء بشم برام تریاک آورد خونه، بهم گفت اگه استفاده کنی دیرتر ارضاء می شی. استفاده کردم خوب بود، کاملاً بهش عادت کردم. تنها این طور می توانستم رابطه داشته باشم» (مرد ۳۱ ساله با همسر ۵۵ ساله).

همسر این مرد برای حل مشکل زود ارضایی شوهرش او را وادار به مصرف مواد کرده است. این کنش در بلند مدت موجب بی مسئولیتی و خشونت مرد نسبت به همسرش شده است.

دسترسی به جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده، نیز از دیگر شرایط مداخله گر در اختلال روابط جنسی مردان این مطالعه بوده است. خیانت زناشویی در همه جای دنیا از مهم ترین دلایل افزایش طلاق گزارش شده است. از مهم ترین دلایل خیانت زناشویی، یکی دسترسی آسان به جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده و دیگری برآورده نشدن نیاز جنسی زن و مرد در محیط خانواده است.

مشارکت کننده شماره ۱ درباره خیانت همسرش به او می گوید:

«خانم بهم بی توجه شد، مثلاً چند روز چند روز می رفت خونه خواهرش، به بار که رفته

همسرش جلوگیری کرده است، اما موجب خیانت زناشویی برادرش و از هم پاشیدگی زندگی مشترک او شده است.

مصرف مواد مخدر، قطع ارتباط جنسی با همسر و خشونت پنهان از دیگر عوامل مؤثر بر طلاق این مردان بوده است.

تمامی مشارکت کنندگان با توجه به شکل‌گیری پدیده، بستر و شرایط مداخله‌گر، نوع استراتژی را انتخاب می‌کردند. بعضی از مردان این مطالعه، برای مقابله با اختلال پیش آمده در روابط جنسی خود، به مصرف مواد مخدر روی آورده بودند. این اقدام اگر چه در کوتاه مدت کارساز بوده، اما در بلند مدت موجب شده که نه تنها از پس این مشکل برنیاید، بلکه نسبت به خانواده بی‌مسئولیت، بی‌بندبار و بی‌تعهد شوند. اغلب آنها اظهار داشته‌اند که مدتی بعد از مصرف مواد بهداشت فردی را رعایت نمی‌کردند و به دلیل بوی مواد و حتی بوی بد دهان و بدن، همسرشان راضی به همخوابگی با آنها نبوده است. مشارکت کننده شماره ۱۱ که برای حل مشکل زود ارضایی اقدام به مصرف مواد کرده، می‌گوید:

«برای داشتن یه رابطه سکس لذت بخش و تأخیری مواد مصرف کردم، اما بعد مدتی نتونستم به خودم برسیم، بهداشت خود را رعایت کنم؛ طوری که بوی دهنم می‌اومد. زخم دیگه نمی‌داشت پیشش بخوابم» (مرد ۳۳ ساله).

بود خونه خواهرش، بهش زنگ زدم یه مرد گوششی را برداشت. بهم گفت این خانم نامزد منه دیگه بهش زنگ نزن».

عدم توانایی جنسی این مرد در برآورده کردن نیاز جنسی همسرش، موجب دوری از او شده است، تا جایی که همسرش برای برطرف کردن این نیاز اقدام به برقراری رابطه فرازناشویی کرده است.

مشارکت کننده شماره ۱۰ که خیانت به همسرش را دلیلی برای جلوگیری از هم گسیخته شدن خانواده برادرش می‌داند، می‌گوید:

«وقتی دیدم برادرم از بس مواد مصرف کرده، دیگه توانایی رابطه زناشویی را نداره، کم کم با زن برادرم خوب شدم و با هم رابطه جنسی برقرار کردیم، حتی برادرم هم می‌دونست، ولی چون می‌خواست زنش ازش طلاق نگیره، بهم گفت که تو با زخم رابطه داشته باشی، بهتر از اینه که طلاق بگیره بچه‌هام آواره بشن. یهو دیدم تا رابطه‌ام با زن برادرم بیشتر از زخم شده، خیلی نسبت به زخم بی‌توجه شدم و خیلی کم پیش زخم میرم. زخم فهمید و هر کاری کرد که ول کنم فایده نداشت. نهایتاً درخواست طلاق داد و ازم طلاق گرفت» (مرد ۳۰ ساله).

برادر این مرد به دلیل ناتوانی در برقراری رابطه سکس با همسرش، حاضر شده که این مرد با همسر او رابطه سکس داشته باشد تا شاید از او جدا نشود. اقدام این مرد اگر چه در ظاهر از جدایی

اقدام این مرد برای حل مشکل جنسی خود، نه تنها مشکلی را حل نکرده، بلکه موجب عدم رعایت بهداشت فردی او هم شده است.

از دیگر اقدامات و کنش‌های این مردان در برابر این پدیده، قطع ارتباط جنسی با همسر خود بوده است، بعضی از مردان این مطالعه که از نظر سنی خیلی کوچکتر از همسر خود بوده‌اند، به دلیل بی‌رغبی جنسی به همسر خود، رابطه سکس خود را با آنها قطع کرده‌اند.

خشونت پنهان، از دیگر کنش‌ها و استراتژی‌هایی است که مردان و همسران آنها در برابر این پدیده انجام داده‌اند. اولین نوع خشونت پنهان که همسران مشارکت‌کنندگان این مطالعه به کار برده‌اند، عبارت بوده از: گرفتن حق طلاق و حضانت فرزند از مرد. بعضی از زنان شوهران آنها را از منزل بیرون کرده و حتی آنها را کتک می‌زدند. اغلب این مردان که نتوانسته‌اند رضایت جنسی همسر خود را به دست آورند، سعی داشته‌اند با دادن کارت حقوق و یا حتی کل حقوق و درآمد خانواده به دست همسر و یا سند کردن خانه و یا ماشین به نام او، بر این ضعف خود سرپوش بگذارند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ که همسرش از او وکالت طلاق و حضانت فرزندش را گرفته، می‌گوید:

«حرف زدن و رفتارش خیلی تغییر کرده بود، گیر داد گفتم نمی‌تونم تحمل کنم، قهر کرد و

رفت خونه باباش. رفتم بیارمش، گفتم به شرطی میام که بهم وکالت بدی که هر وقت خواستم طلاق بگیرم، پیش خودم فکر می‌کردم که فقط به حرفه الکیه. رفتیم محضر وکالت طلاق و بهش دادم، حضانت پسر را هم به مدت سه سال بهش دادم؛ بعد از سه مدت، غیابی طلاق گرفته بود؛ من بعداً باخبر شدم» (مرد ۴۱ ساله)

در مجموع، هر فعل یا عدم انجام عمل یا تعامل معینی از سوی افراد در پاسخ به مسأله‌ای که از طرف افراد انتخاب می‌شود، دارای پیامدهایی است. بنابراین، اتخاذ هر استراتژی دارای نتایج خاصی است که پیامد یک کنش نامیده می‌شود. متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد اولین پیامد اختلال جنسی در بین مردان این تحقیق، کاهش اعتماد به نفس آنهاست. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ می‌گوید:

«موقعی جریان ناتوانی جنسیمو بقیه فهمیدن، خجالت زده، دچار استرس و افسردگی شدم، طوری که اعتماد به نفسمو از دست دادم» (مرد ۳۶ ساله).

پیامد دیگر، خشونت فیزیکی و روانی بوده که در بین این مردان و همسران آنها رخ داده است. از مهم‌ترین و خشن‌ترین خشونت‌های روانی که در بین این مردان با همسران به کار رفته، طعنه و سرکوفت زدن به همدیگر بوده است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۴ که بسیار جوان‌تر از همسر خود بوده و دلیل اصلی

فرهنگ استفاده از مواد مخدر برای تداوم رابطه جنسی لذت بخش و در دسترس بودن گزینه برای رابطه خارج از چارچوب خانواده» می‌باشد، هسته اصلی اختلافات زناشویی و مهم‌ترین عامل تبیین کننده فرآیند طلاق از منظر مردان این مطالعه است. فروتن و میلانی، درباره طلاق تحقیقی انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که بیشتر افراد درخواست دهنده طلاق، از زندگی جنسی خود رضایت نداشته‌اند، که این تحقیق با یافته‌های تحقیق حاضر همخوانی دارد.

بر اساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقوله‌های عمده ارائه شده است، اغلب این مردان در رابطه سکس با همسر خود دچار مشکلاتی مانند: زود ارضایی، بی میلی و یا ناتوانی جنسی بوده‌اند. بعضی از آنها به دلیل تفاوت سنی زیادی که با همسر خود داشته‌اند، نتوانسته‌اند نیاز جنسی همسر خود را برآورده کنند، بعضی از آنها به دلیل بیماری دچار ناتوانی جنسی شده‌اند و چند مورد به دلیل استرس و فشار روحی دچار زود انزالی شده‌اند و از برآورده کردن نیاز جنسی همسر خود ناتوان بوده‌اند. چندین مورد از مردان این مطالعه برای حل این مشکل، مواد مخدر (تریاک) مصرف کرده‌اند و همین عامل در دراز مدت موجب بی بندباری و بی مسئولیتی آنها نسبت به خانواده و همسر آنها شده است. همسران بعضی از این مردان برای رفع نیاز جنسی خود؛ با فرد دیگری

ازدواجش را موقعیت نامناسب اقتصادی خود و شاغل بودن همسرش دانسته، می‌گوید:

«همسرم بهم گفت تو هیچی نداشتی، من تو را آدم کردم، تو یه آدم علاف بودی. من هم بهش گفتم، تو یه پیرزن بودی، اگه من نبودم هیچ کس با تو ازدواج نمی‌کرد» (مرد ۴۴ ساله).

این مرد و همسرش که تفاوت سنی موجب جدایی عاطفی و جنسی آنها از همدیگر شده، بدترین خشونت روانی را نسبت به هم انجام داده‌اند.

طلاق عاطفی و قانونی از دیگر پیامدهایی بوده که برای این مردان اتفاق افتاده است. تقریباً همه این مردان که با همسران آنها دچار اختلال جنسی بوده‌اند، مدتها قبل از طلاق قانونی بین آنها طلاق عاطفی بوجود آمده بوده است.

## بحث

با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان گفت مقوله هسته‌ای:

«مسائل جنسی بستر دیگر آسیب‌های اجتماعی در خانواده»، می‌تواند بسترها و پیامدهای پدیده اختلالات جنسی مردان طلاق داده تحقیق را در بر بگیرد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد.

بر این اساس اختلال در روابط سکس زن و مرد در محیط خانواده، که خود ناشی از عوامل فردی «مانند؛ بیماری جسمی، استرس روحی، تفاوت سنی زن و مرد» و عوامل اجتماعی «مانند:

رابطه جنسی برقرار کرده بودند. بعضی دیگر از این مردان که همسرشان از نظر سنی بزرگتر از آنها بوده، برای رفع نیاز جنسی خود، تعهد خانوادگی را رعایت نکرده و به همسر خود خیانت کرده بودند. ناکارآمدی روابط جنسی و عدم برقراری یک رابطه سکس رضایت بخش بین این مردان و همسران آنها زمینه دیگر آسیب‌های اجتماعی مثل خشونت خانگی، خیانت زناشویی و اعتیاد به مواد مخدر را فراهم کرده و این آسیب‌های اجتماعی «خشونت خانگی، اعتیاد به مواد مخدر و خیانت زناشویی» نیز موجب اختلال در روابط جنسی این مردان با همسران آنها شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، نظریه‌ی زمینه‌ای مطالعه حاضر، «مسائل جنسی بستر دیگر آسیب‌های اجتماعی در خانواده»، به ارائه یک قضیه با این مفهوم می‌پردازد که: «هر گاه در رابطه سکس زن و مرد اختلال ایجاد شود، زمینه دیگر آسیب‌های اجتماعی مانند: مصرف مواد مخدر، خشونت خانگی و خیانت زناشویی فراهم می‌شود و احتمال طلاق در خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد».

این نظریه با نتایج تحقیق شاه سیاه و همکاران (۱۹) که رابطه بین رضایت جنسی و سلامت زناشویی و تحقیق بخشایش (۸)، که رابطه بین رابطه جنسی و تعهد زناشویی را تأیید کرده‌اند، نیز هم‌خوانی دارد.

با توجه به حجب و حیای حاکم بر خانواده‌های ایرانی، مخصوصاً محیط‌های سنتی و شهرهای کوچک و کم جمعیت تابو بودن طرح مسائل جنسی در محیط‌های آموزشی مانند: مدارس، دانشگاه‌ها و صدا سیما، پرهیز کردن زن و شوهرها از بیان خواسته‌ها و نیازهای سکس و جنسی خود به همدیگر و نبود فرهنگ مراجعه به مشاوران، روانپزشکان و روانشناسان جهت مداوای این معضل اساسی، امروزه شاهد افزایش نرخ طلاق در جامعه هستیم.

بیشتر مراجعان به دادگاه‌ها و ادارات بهزیستی که درخواست طلاق دارند، دلیل طلاق خود را با اصطلاحات مبهم و چند پهلوئی مانند ناسازگاری یا عدم تفاهم بیان می‌کنند. تنها درصد بسیار اندکی هستند که حاضر به بیان مشکلات سکسی خود هستند. در واقع همه این مقدمه چینی‌ها بهانه‌ای است برای سرپوش گذاشتن بر بیان مشکل اصلی روابط زن و شوهری. به جرأت می‌توان گفت هسته اصلی مشکلات و ناسازگاری‌های زناشویی خانواده‌هایی ایرانی که به طلاق منجر می‌شود، چیزی نیست بجز مشکلات سکس و روابط جنسی زن و شوهرها.

این مطالعه نیز مثل سایر مطالعه‌ها با محدودیت‌های روبرو بوده، که عبارتند از: عدم قابلیت تعمیم به گروه‌های بزرگتر، شرم و حیای مشارکت کنندگان راجع به صحبت در رابطه با

موضوع تحقیق و عدم همکاری نهادهایی مثل دادگاه.

### نتیجه‌گیری

از آنجا که خانواده پایه اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد و سلامت عمومی یک جامعه به سلامت خانواده‌ها برمی‌گردد. مهم‌تر این که چون هسته اصلی خانواده‌ها را رابطه جنسی رضایت‌بخش و موفق زن و مرد تشکیل می‌دهد، ضروری به نظر می‌رسد که مسئولان، ارگان‌ها، نهادها، افراد و خانواده‌ها این واقعیت را بپذیرند که علت اصلی طلاق که امروزه در جامعه ایران افزایش یافته و تقریباً مورد پذیرش جامعه قرار گرفته، ریشه در روابط سکسی ناموفق زن و مرد دارد، بنابراین باید در این مورد اقدام اساسی بکنند.

### تقدیر و تشکر

از آنجا که این مقاله بخشی از رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی بخش دانشگاه شیراز می‌باشد، لازم می‌دانم که از حمایت‌های ارزنده علمی و اخلاقی دکتر عنایت بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز که این رساله به راهنمایی خودش انجام شده تشکر و قدردانی نمایم.

## Reference

1. Amato P. *The consequences of divorce for adults and children: an update*, Pennsylvania state university. University Park: USA; 2012, 5-26.
2. Michele A. *Framing Divorce Reform: Media, Morality, and the Politics of Family*. *Family Process*. University Of California 2007; 1: 1-4.
3. Bray J, Mark S. *The Wiley-Blackwell of Family Psychology*. Blackwell Publishing Ltd 2009; 102-3.
4. Montenegro XP. *A study of divorce at midlife and beyond*. Washington, DC: American Association for Retired Persons; 2004; 2: 17-24.
5. Weimin M. The divorce culture and picture books for young children. *International Journal of Early Childhood* 2007; 2: 23.
6. Iran Statistical Center. *Report of the population sample survey, 2015*, Tehran: Author.(in Persian)
7. Iran Statistical Center. *Statistical Yearbook of Iran*. Tehran: Author; 2015(In Persian).
8. Bakhshayesh A. Correlation between sexual satisfaction, public health, and marital satisfaction in couples. *Journal of Applied Psychology* 2008; 4: 73-85.(in Persian)
9. Shamloo S. *Health of mind*. Tehran: Rooshd Publication; 2002. (in Persian)
10. Bassoon R. Report of the International consensus development conference on female dysfunction. *Journal of Urology* 2000; 163: 888-93.
- 11- [www.womenrc.com](http://www.womenrc.com)
12. Faeghe S. The effect of education pervious of marriage on the non logical attitude toward the marriage. MA tesis, yazd university, 2007. ( in Persian)
13. Hermany G, Randy K. *Families ,divorce, custody and parenting*. WileyInter Science 2010; 461-2.
14. Marshall C, Rossman GB. *Designing Qualitative Research*. 2<sup>nd</sup> ed. Thousand Oaks, London: New Dehli; 1995; 74-80.
15. Strauss AL, Corbin J. *Basic of Qualitative Research*. London: SAGE; 1998; 87.
16. Creswell JW. *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Tradition*. Thousand Oaks: CA Sage; 1998; 120-121.
17. Flick U. *An Introduction to Qualitative Research*. London: Sage; 1998; 57-60.
18. Bagheri A, Parvizi A, Salsali M. *Qualitative Research*. 2006.(in Persian).
19. Shah siyah M, Bahrami F, Mohebi S. The survey of correlation between sexual satisfaction and sexual health. *Journal of Principle of Psychological Health*. 2010 ;11: 233-8.

# The Role of Sexual Disorder in Forming Divorce Process: a Grounded Theory Study

Enayat H, Panjehband SU\*

Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran

Received: 5 Dec 2015

Accepted: 6 Feb 2016

## Abstract:

**Background & Aim:** consequences resulting in the increase of the divorce rate in the Iranian society, which surrounded all individuals, families and society, has prepared the background of the present study. The main purpose of the present study was demonstrating a paradigm model of the role of sexual disorder in forming the divorce process among men in Iran.

**Method:** The present study was conducted by applying a qualitative method using the grounded theory approach in Gachsaran, Iran, in 2014. The participants of the study were 15 divorced men who were selected using purposeful sampling. Data were gathered using depth interview, and were analyzed with coding paradigm.

**Results:** according to the coding paradigm, men's sexual dysfunctional as a causal condition, physical disease, mind stress, and age difference between couples as a contextual condition, culture of drug abuse for satisfaction of sexual relation, and infidelity as an interventional condition, caused disorder in their sexual relationship. These men and their wives applied various strategies, such as drug abuse, disconnected sexual relation with each other, and latent violence in order to counteract this phenomenon.

**Conclusion:** The narrative of participants of the present study revealed that disorder in their sexual relation led to other social problems, such as drug abuse, domestic violence, and infidelity in their families. Moreover, these problems led to other disorders in their sexual relationship with their wives, which eventually ended to emotional, sexual and legal divorce.

**Keywords:** sexual disorder, divorce process, divorced men, qualitative method, grounded theory

---

**Corresponding author:** Panjehband SU, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran  
**Email:** panjehband@yahoo.com

## Please cite this article as follows:

Enayat H, Panjehband SU. The Role of Sexual Disorder in Forming Divorce Process: a Grounded Theory Study. Armaghane-danesh 2016; 20 (12): 1130-1145.